

## عنوان مقاله:

واقع گرایی علمی، واقع گرایی ساختاری و برهان فرا-استقراء بدبینانه

## محل انتشار:

دوفصلنامه فلسفه علم، دوره 12، شماره 1 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

## نویسنده:

میرسعید موسوی کریمی - دانشیار دپارتمان فلسفه، دانشگاه مفید، قم، ایران.

## خلاصه مقاله:

واقع گرایی علمی با استناد به برهان «معجزه نیست» (NM)، صدق (تقریبی) نظریه های علمی و وجود هستومندهای (مشاهده ناپذیر) پیشنهاد شده توسط آن ها را علت موفقیت علوم در پیش بینی و توضیح می دانند. اما ضدواقع گرایان با استناد به برهان «فرا-استقراء بدبینانه» (PMI)، ادعا می کنند نظریه های موفق و در عین حال کاذب گذشته نشان می دهند که رابطه ای بین موفقیت یک نظریه در توضیح و پیش بینی، از یک طرف، و صدق آن نظریه، از طرف دیگر، وجود ندارد. یکی از مهم ترین پاسخ های واقع گرایان به PMI، نظریه «واقع گرایی ساختاری»، ارائه شده توسط جان ورال است. هدف این نظریه این است که نشان دهد ساختار صوری-ریاضی نظریه های موفق گذشته در نظریه های موفق امروزی حفظ شده اند، و ترم های حاکی از این ساختارها، به هستومند هایی (ساختارهایی) یک سان ارجاع می دهند. در این مقاله، پس از توضیح NM و PMI، با بررسی و نقد نظریه واقع گرایی ساختاری در دو خوانش معرفت شناسانه و هستی شناسانه، نشان خواهیم داد که این نظریه توان رد برهان PMI به شکلی فیصله بخش را ندارد. با این حال، برون شد مقاله این است که چنان چه واقع گرایان ساختاری دامنه واقع گرایی خود را به گزاره های وجودی نظریه های علمی، یعنی به نوعی واقع گرایی موسوم به "واقع گرایی وجودی" محدود سازند، دیگر برهان PMI علیه آن ها کارساز نخواهد بود.

## کلمات کلیدی:

معجزه نیست، فرا-استقراء بدبینانه، واقع گرایی ساختاری، واقع گرایی وجودی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1534243>

